

اعتدال و میانه روی در معیشت خانواده

علی اکبر نوایی*

چکیده

میانه‌روی و اعتدال در معیشت، نشانه‌ی تعادل روحی، خردمندی و مثبت‌اندیشی است که جایگاه ممتازی در فلسفه‌های اجتماعی و مفاهیم اخلاقی دارد. نظریه‌پردازان علوم اجتماعی آن را فصل ممیز زندگی انسان خردمند و به فضیلت نایل شده دانسته‌اند. گذران معیشت اقتصادی با رویکرد اعتدال و میانه‌روی، توصیه‌ی شریعت اسلامی، عالمان وارسته و حکیمان، متألهان و عالمان اخلاق است. حالتی بین افراط و تفریط در معیشت، هزینه‌ها و مصرف کردن‌هاست؛ به گونه‌ای که مورد نهی حکمی در قرآن و سنت و سیره‌ی معصومان علیهم‌السلام واقع گردیده‌است. این رویکرد گرچه در نهایت سختی و صعوبت است، اما نشانه‌ی رشد و کمال و آراستگی به فضیلت‌هاست که اگر در محیط خانواده و سامان‌عائله رخ دهد، والاترین رویکرد زندگی اقتصادی حاصل می‌آید. مقوله‌ی اعتدال و میانه‌روی در مفاهیم قدسی شریعت با معیار قراردادن شریعت و عقل و هوشمندی و خردمندی در آمیخته‌است.

*. عضو پژوهشی دانشگاه علوم اسلامی رضوی

تدبیر در منزل و تقدیر در معیشت، نمود بارز روحیه‌ی اعتدال و میانه‌روی و عملکرد آن در ساحت اجتماعی و در مقوله‌ی معیشت اقتصادی است و به قدری والایی یافته که نیمی از کسب، بلکه کل آن شمرده شده‌است.

در مقوله‌ی تدبیر منزل، تقدیر در معیشت زن در کانون خانواده نقش محوری دارد چنان‌که شخصیتی همچون فارابی، زن را «رب‌المنزل» و «مدیرة‌المنزل» به حساب آورده‌است. ابن مسکویه، غزالی، خواجه‌نصیر و دیگران نیز همین مشی نظری را برگزیده‌اند. در اندیشه‌ی اسلامی، بهترین زنان آن‌هایی هستند که در تدبیر معیشت سهم والایی را ایفا نمایند. این مقوله، ضرورت‌هایی همچون کمال‌یابی، جلوگیری از تضييع مال و امکانات، دینی شدن معیشت خانواده و احیای فرهنگ بالنده‌ی میانه‌روی و قناعت را در پی می‌آورد و به همین دلایل ضرورتی تام و حیاتی دارد.

بر مقوله‌ی تدبیر در معیشت آثار گرانباری مترتب است؛ همچون تربیت نسلی معتدل و پاک، دست‌یابی به آرامش درونی، رشد روحیه‌ی توکل، رسیدن به تعادل اجتماعی، حفظ امکانات و سرمایه‌ها، استحکام نهاد خانواده، جلوگیری از پشیمانی‌ها، پرهیز از خطا، افزایش سطح بهره‌وری، دوری از صفات نکوهیده‌ی حرص و طمع، پیش‌بینی آینده، دقت و انضباط، معنایابی زندگی، باروری هدف‌های پیش‌بینی شده و...

واژگان کلیدی: اعتدال، معیشت، تدبیر منزل، هوشمندی، کمال، قناعت، فرهنگ و....

درآمدی بر موضوع

۸۵

اعتدال یا میانه‌روی در معیشت، نشانه‌ی خردمندی، تعادل روحی و شخصیتی، مثبت‌نگری و تدبیر در ساحت زندگی است. اعتدال، ریشه در مفهوم عدالت دارد که قرار گرفتن در حدّ وسط و نرفتن به سمت افراط و تفریط است. در بحث اجتماع و فلسفه‌ی زیست اجتماعی، اعتدال جایگاه ویژه‌ای دارد به گونه‌ای که پیشگامان فلسفه‌های اجتماعی، مقوله‌ی اعتدال را پایه و مبنای حرکت خردمندانه‌ی انسان تلقی نموده‌اند و آن را ضابطه‌ی رشد و تعالی دانسته‌اند؛ نیز خروج از حوزه‌ی اعتدال در هر مقوله‌ی حرکتی را سیری به سوی انهدام، نابودی و به هم ریختگی وضعیت، تحلیل و تفسیر نموده‌اند.

نظریه‌پردازان علوم اجتماعی و فلسفه‌های سیاسی، از گذشته‌های دور تا کنون در فضیلت اعتدال سخن گفته و نظریه‌های حکیمانه‌ای را در این باب طرح نموده‌اند. ارسطو از پیشگامان نظریه‌ی اعتدال بوده و آن را تحت عنوان فضیلت و عامل رسیدن به سعادت مطرح کرده‌است. اعتقاد ارسطو بر آن است که آنچه انسان انجام می‌دهد برای رسیدن به خیر و سعادت است و غایت مطلوب انسان، همان سعادت است؛ «اما آدمی آن‌گاه به سعادت دست می‌یابد که به فضیلت رسیده‌باشد و فضیلت هنگامی حاصل می‌آید که آدمی همواره تلاش ورزد که نه به افراط گراید و نه به تفریط که اگر چنین کند به ملکه‌ی اعتدال نایل شده و اگر قوانین آن را رعایت نماید به فضیلت و خیر و در نتیجه به سعادت نایل آمده‌است» (ارسطو، ۱۳۶۳، ص ۱).

اندیشمندان اسلامی اعم از فلاسفه، متکلمان و فقیهان و عالمان اخلاق، همگی بر این مقوله اصرار ورزیده‌اند و امّهات این ملکه‌ی شریفه را از آیات کریمه‌ی قرآن و سیره و سنت اهل بیت علیهم‌السلام فراگرفته‌اند و درباره‌ی آن به ارائه‌ی دیدگاه‌هایی بدیع و تکامل آفرین پرداخته‌اند. چنان‌که خواجه‌نصیر در اخلاق ناصری، از اعتدال نفس و در نتیجه از اعتدال (میانه‌روی) در حوزه‌ی عمل، سخن گفته و آن را فضیلتی والا ترسیم نموده و در نهایت

چنین تحلیل می‌کند که: «اعتدال، خروج نفس بهیمی از افراط و تفریط است که نتیجه‌ی گران‌قدر سعادت را به ارمغان می‌آورد». (خواجه نصیر طوسی، ۱۳۶۴، ص ۴۸)

عالمان فرهیخته و نام‌آور دیگری همچون ملا مهدی نراقی در جامع‌السعادات، اعتدال را «قرار گرفتن در مرکز دایره‌ی خیر» تصویر نموده و بر آن پای می‌فشارد. (نراقی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۷۹) در نتیجه چنین روی آوردی، اعتدال را اشرف فضیلت‌ها تفسیر کرده و عامل آن را انسانی اندیشمند و به کمال رسیده می‌داند که به فضیلت و در نتیجه به سعادت نایل گردیده‌است.

اعتدال به قدری دارای اهمیت است که قدر مشترک همه‌ی مکاتب اجتماعی و اخلاقی است و همه‌ی اندیشمندان، حرکت‌ها را با عنوان اعتدال، بایسته‌ی ارزیابی و ارزش‌گذاری می‌دانند و آلا آن را فاقد ارزش و مانع حرکت انسان به سوی خیر و فضیلت و سعادت می‌شمارند.

اعتدال در اقتصاد و معیشت در نهاد خانواده که رکن و پایه‌ی ساخت اجتماع است به معنای انطباق عمل‌ها و عملکردها با عقلانیتی ملهم از خرد و شریعت است؛ عملکردی که به دور از افراط و تفریط به جمع مال و ثروت پردازد و در حوزه‌ی مصرف هم به دور از افراط و تفریط عمل نماید؛ یعنی نباید اقتصاد خانواده از درآمدهای حرامی نظیر رباخواری، رشوه، غصب، احتکار، گران‌فروشی و... که حالت افراط کسب درآمدند تأمین شود چنان‌که فرد در حوزه‌ی اقتصادی هرگز نمی‌باید تنبلی، سستی و سربار دیگران بودن را پیشه کند و نباید دست‌طلب به سوی کسی دراز کند؛ چنان‌که نباید در حوزه‌ی مصرف، چنان گشاده‌دستی نماید که روزی محتاج‌گردد و نباید بخل و امساک و عدم پرداخت ضرورت‌های معیشتی عائله و خانواده را پیشه نماید که هر دو به بی‌راهه می‌روند و باعث تباهی نظام عایله و خانواده خواهند بود.

مقوله‌ی یاد شده نیازمند به مدیریتی خردورزانه و دین‌گرایانه است که از سوی دو هسته‌ی اصلی نظام خانواده یعنی زوجین، باید مورد توجه، مراعات و عمل قرار گیرد و بسان

فرهنگی کارآمد به فرزندان منتقل گردد تا آنان هم با صفت وارسته و ملکه‌ی شریفه‌ی اعتدال به عنوان صفتی اخلاقی، خوگیرند و بدان عامل گردند.

مفهوم اعتدال در معیشت

اعتدال از واژه‌ی عدل گرفته شده و مصدر باب افتعال است و در لغت، به معنای در میانه قرار گرفتن است. این مفهوم هنگامی برای ما روشن می‌شود که در مقوله‌ای از مقوله‌ها دو طرف افراط و تفریط ممکن باشد و چون دو طرفی است، می‌تواند دارای حد وسطی باشد و آن حد وسط را اعتدال می‌نامند.

هنگامی که در مقوله‌ی معیشت آن را به کار می‌بریم به معنای قرار گرفتن در حد وسط افراط و تفریط است یعنی «حدّ متوسط بین دو وضعیت دیگر» (محمد بن مکرّم، ۱۹۸۷، ج ۹، ص ۸۵) «قرار گرفتن بین افراط و تفریط» (فیروزآبادی، ۲۰۰۵، ج ۴، ص ۲۰) این منظور در لسان العرب می‌نگارد:

«ان العدل هو ما قام فی النفوس إنه مستقیم و کل ما لم یکن مستقیما او منتظما کان جوراً و ظلماً و عدل الموازین و المکابیل: سواها و عدل الشیء یعدله عدلا و عادله: وازنه و عدلت بین الشیئین و عدلت فلانا بفلان اذا سویت بینهما و تعدیل الشیء تقویمه ... و هو یفید المساوات و الانصاف و المیزان و الاستقامه» (ابن منظور، ۱۹۹۸، ج ۹، ص ۸۶)

عدل، آن چیزی است که در نفوس حالتی را به وجود آورد که بگویی او مستقیم (دارای استواء و حد وسط) است و هر چیزی که در حد وسط نباشد یا در نظامی معقول نباشد جور و ستم خواهد بود. عدل میزان و کیل‌ها، مساواتشان است و عدل امر و شیئی، موازنه‌ی آن بین دو امر است. چنان‌که می‌گویی فلان کار را با فلان امر به عدالت نهادم؛ یعنی بین‌شان تسویه و مساوات قرار دادم و بالأخره اعتدال به لحاظ معنوی مساوات، انصاف، میزان و استواری را معنی می‌دهد.

طبق این تعریف، مراعات نوعی انصاف است که کفه‌ی آن به سمت افراط یا تفریط متمایل نگردد که بر این اساس، هنگامی که در قرآن مجید سخن از اعتدال و میانه‌روی

گفته می‌شود، مراد آن است که انسان در رفتارهای خویش به گونه‌ای باشد که مسیر تعادل، حدّ وسط و میانه را که نه افراط باشد و نه تفریط، پیماید.

با این وصف، اعتدال در معیشت خانوادگی یا اجتماعی، قرار گرفتن در حدّ وسطی از اسراف و تبذیر و بخل و امساک است که بدون تمایل به افراط یا تفریط در خط میانه که از طرف چپ و راست در فاصله‌ای متناسب در وسط واقع شده باشد.

در متون دینی ما، کلمه‌ی اعتدال با واژگانی مانند قصد، اقتصاد و وسط بیان گردیده و در آیه‌ی مبارکه‌ی ۲۹ سوره اسراء بدون کاربرد واژه‌ی خاص، مفاهیم یاد شده را بیان فرموده است.

«وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا؛ دست را بسته به گردن خویش قرار مده و چندان هم آن را باز نگذار که ملامت شده و در تنگنا قرار گیری و خانه نشین گردی. (اسراء/۲۹)

در این آیه، کلیتی فراگیر اعم از حرکت‌های فردی یا اجتماعی قرارداد یا در حوزه‌ی اقتصاد فردی یا اجتماعی و نهاد خانواده، در حوزه‌ی معیشت الهام می‌بخشد و راه می‌نماید.

۱- دست را به گردنت مبنده؛ یعنی روش بخل و امساک در پرداخت هزینه‌ها به خانواده، فقیران، تهی‌دستان و... را پیشه مگیر که همه بخل است و خروج از ضابطه و قاعده‌ی زیستی معقول و دین‌مدارانه.

۲- گشاده‌دستی افراطی مکن که همه‌ی داشته‌های اقتصادی‌ات را یک‌باره به پایان رسانی و تمام کنی.

پس آیه به طور کلی اندازه نگه‌داشتن را توصیه می‌فرماید که اندازه نگه‌داشتن و میانه‌روی در مخارج، یکی از اصول بایسته‌ی زندگی است و در زندگی یک انسان خردمند و دین‌مدار اجتناب‌ناپذیر است. این میانه‌روی و اندازه‌داری، ربطی به کمی یا زیادی درآمد ندارد و البته در مورد کسانی که درآمد کمتری دارند اهمیت بیشتری دارد.

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «الاعتصام فی النّفقه نصف المعیشه» میانه‌روی در خرج کردن،

نیمی از زندگی و گذران آن است. (پاینده، ۱۳۴۶، ح ۱۰۵۷)

قرآن مجید توصیه به اعتدال، رعایت حدّ وسط و عدالت نموده و به دوری از اسراف و تبذیر فرمان داده و هر دو را منهی شمرده است چنان که می‌فرماید: «... كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (اعراف/۳۱)؛ بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که او اسراف کردن را دوست نمی‌دارد.

و نیز می‌فرماید:

«وَ آتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ لَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا إِنَّ الْمُبْذِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَ كَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا»؛ و حق خویشاوندان نزدیک را پرداز و همچنین حق مستمند و وامانده در راه را، و هرگز اسراف و تبذیر نکن. (به صورت غیر منطقی دارایی‌ات را مپاش چرا که تبذیرکنندگان (پاشندگان بی‌قاعده) برادران شیطانند و شیطان در برابر پروردگارش بسیار ناسپاس بود. (اسراء/۲۶ و ۲۷)

از طرف دیگر می‌فرماید: «... وَ لَا تَتَسَبَّحْ بِحَمْدِ اللَّهِ دُونَ مَا حَقَّ لَهُ مِنَ الْحَمْدِ وَ لَا تَنْسَىٰ نَصِيحَتَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَ أَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ...»؛ بهره‌ی خود را از دنیا فراموش مکن و نیکی نما چنان که خداوند به تو نیکی فرموده است. (قصص/۷۷)

چنان که از آهنگ کلی آیات کریمه‌ی قرآن برمی‌آید مقوله‌ی اقتصاد و میانه‌روی در معیشت، از امور مهمی است که خدای متعال آن را ملاک تدین، ایمان و عمل به تعالیم الهی می‌داند و مدار حرکتی انسان را در معیشت، بر آن مبنا استوار فرموده است. چنان که در روایات و سیره‌ی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سیره‌ی اهل بیت علیهم السلام، این مقوله اهمیتی بسزا یافته است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «یا ایها الناس علیکم بالقصد، علیکم بالقصد، علیکم بالقصد»؛ ای مردم، بر شما باد به میانه‌روی، بر شما باد به میانه‌روی، بر شما باد به میانه‌روی. (پاینده، ۱۳۴۶، ح ۱۰۵۶)

چنان که از آیات و روایات برمی‌آید زندگی با ساختار دینی، نیازی همه جانبه به اعتدال و میانه‌روی دارد و اعتدال، شاخصه‌ی یک زندگی آمیخته با تدبیر و تفکر است که مورد توجه همه اولیای دین بوده است.

این مهم ما را به یک نتیجه‌ی عقلی و منطقی می‌رساند و آن، قرار گرفتن در مسیر اعتدال در نهایت سختی و صعوبت است و در واقع شعاری ساده نیست و به عمل در آوردنش مستلزم درک و انتخاب یک معیار و شاخص اساسی، یعنی معیار شریعت است و با این شناخت و با درک این معیار و تکامل نفس و تربیت و تهذیب آن است که فرد قادر می‌شود در مسیر اعتدال قرار گیرد.

نراقی می‌گوید: «فاعلم انها اما متعلقه بالاخلاق والافعال او بالكرامات و قسمة الاموال او بالمعاملات و المعاوضات، او بالاحكام و السياسات و العادل في كل واحد من هذه الامور ما يحدث التساوى فيه بردّ الافراط و التفريط الى الوسط و لا ريب في انه مشروط بالعلم بطبيعه الوسط حتى يمكن ردّ الطرفين اليه، و هذا العلم في غاية الصعوبة و لا يتيسر الا بالرجوع الى ميزان معرف للاوساط في جميع الاشياء و ما هو الا ميزان الشريعة الالهية الصادرة عن منبع الوحدة الحقيقية» (نراقی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۷۹)؛ بدان که تعادل و اعتدال یا وابسته به اخلاق و افعال آدمی است، یا به بخشش‌ها و تقسیم اموال است و عادل در معاملات و معاوضه‌ها یا در احکام و سیاست‌ها و دیگر امور، همان رعایت‌گر تساوی بین دو طرف افراط و تفريط و قرار گرفتن در حد وسط است و شکی نیست که این امر مشروط است به علم به طبیعت میانه‌روی و ردّ طرف افراط و تفريط به آن و این علم در نهایت سختی است و میسر نمی‌شود مگر با معیار قراردادن معرفّی که با میانه‌روی و اعتدال متناسب باشد و آن معیار، چیزی جز شریعت الهی که از منبع وحدت حقیقی عالم صادر شده، نیست.

تدبیر منزل و اهمیت آن

سامان‌دهی معیشت خانواده به سبکی اعتدالی، نیازمند رعایت قواعد تدبیر منزل است. تدبیر، یعنی این که اشیای مختلف را به گونه‌ای تنظیم کنیم که هر شیئی در جایگاه مخصوص به خود قرار گیرد به گونه‌ای که غرض از هر یک از آن اجزا به مرحله‌ی بروز و ظهور عینی برسد.

تدبیر در زندگی هم مانند رعایت اعتدال و میانه‌روی در آن، نشانه‌ی خردمندی است و اگر این رویکرد در زندگی شکل نیابد میانه‌روی از میان برمی‌خیزد و زندگی به لحاظ معیشتی به طرف افراط یا تفریط می‌رود. امام علی علیه السلام درباره‌ی تدبیر و نقش آن در معیشت اقتصادی می‌فرماید:

«صلاح العیش، التدبیر»؛ مصلحت هم زیستی، تدبیر در امور است. (آمدی، بی تا، ص ۹۴) و نیز فرمودند: «لا خیر فی دنیا لا تدبیر فیها»؛ در زندگی ای که در آن تدبیر نباشد خیری نیست. (نوری، ج ۱۴، ص ۲۴۸)

مردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: به ما گفته‌اند، اقتصاد و تدبیر در معیشت، نیمی از کسب است. آن حضرت فرمود: «لا بل هو الکسب کلّه و من الدین التدبیر فی المعیشه» (مجلسی، ۱۹۸۷، ج ۷، ص ۳۴۷)؛ نه، بلکه تمام کسب، تدبیر در معیشت است و از زمره‌ی رفتارهای دینی، تدبیر و خردورزی در معیشت است.

تدبیر منزل به قدری دارای اهمیت است که تحت عنوان سیاست منزل، در علوم اخلاق و سیاست به گونه‌ای جدی مورد توجه قرار گرفته است.

اهمیت داشتن بحث تدبیر منزل در یونان حاصل توجه ارسطو به آن بود؛ زیرا ارسطو در مباحث فلسفه‌ی سیاسی خویش، بر این نکته اصرار ورزید که «هر شهری از خانواده‌ها فراهم می‌آید و سعادت هر شهری در گرو سعادت خانواده است و خانواده‌ی دارای تدبیر، سازنده‌ی سعادت شهر است» (رک. مجلسی، ۱۹۸۷، ج ۷، ص ۳۴۷) به همین جهت حکمای متأخر یونان تدبیر منزل را دومین قسم از اقسام سه‌گانه‌ی حکمت عملی به همراه تهذیب اخلاق و سیاست مدن برشمرده‌اند و به آن جایگاهی والا و در خور اهمیت داده‌اند. چنان‌که به برخی از روایات هم اشاره شد بحث تدبیر منزل در آثار اسلامی هم جنبه‌ی فلسفی دارد و هم جنبه‌ی اخلاقی. به همین دلیل است که فیلسوفان نام‌آور در تاریخ اسلامی نظیر فارابی و سهروردی و ابن سینا و بسیاری دیگر به آن پرداخته‌اند.

در عالم اسلامی نخستین حکیمی که مقوله‌ی تدبیر منزل را در فلسفه سیاسی خود جای داد، فارابی است. فارابی ضمن توضیحاتی راهگشا و مهم درباره‌ی تدبیر منزل، به نسبت‌های موجود در منزل بین زوج و زوجه پرداخته‌است و هر دو را در تدبیر منزل، دارای مسئولیت می‌داند. در کتاب فصول منتزعه‌ی خویش، راهگشاترین مطالب را راجع به تدبیر منزل و نقش زوجین بیان نموده و آن را زیربنای ایجاد مدینه‌ی فاضله اسلامی معرفی کرده‌است. و در بخشی از این کتاب چنین می‌نگارد:

«هر منزل و خانواده‌ای از چهار بخش تشکیل شده: زوج و زوجه، عبد و مولا، والد و ولد، قنیه و مقتنی. یک فرد لازم است همه‌ی این اجزا را هماهنگ و در جهت غرض واحد که موجب بسط و حفظ خیرات و عمارت منزل می‌شود به کارگیرد و به این مدیر (رب‌المنزل) یا «مدیر المنزل» گفته می‌شود». (فارابی، ۱۹۱۷، ص ۴۶)

پس از فارابی، ابن سینا در عداد مسائل حکمی، مقوله‌ی تدبیر منزل را مطرح نموده و به نقش زوج و زوجه در تدبیر منزل می‌پردازد. او تدبیر منزل را از سیاست‌های نبوت می‌داند و انبیاء را مبشر تدبیر منزل معرفی می‌کند.

ابن سینا در رساله‌ی السیاسه به جای تدبیر منزل، از کلمه‌ی سیاست المنزل بهره‌برده و اعتدال در معیشت را در آن مطرح ساخته است. (ابن سینا، ۱۴۰۲، ص ۱۶۹)

عالمان علم اخلاق، مانند ابن مسکویه در تطهیر الاعراق و تهذیب الاخلاق و فخر رازی در تدبیر منزل، غزالی در احیاء علوم الدین و خواجه نصیرطوسی در اخلاق ناصری و بسیاری دیگر از عالمان اسلامی به مقوله‌ی تدبیر منزل پرداخته‌اند و به وظایف زوج و زوجه در تدبیر منزل، به‌ویژه به تدبیر المعیسه و نیز مقوله‌ی اعتدال در معیشت اقتصادی نهاد خانواده پرداخته‌اند که مراجعه به آن‌ها و ارائه‌ی تصویری کلی از دیدگاه آنان، نوشتاری جداگانه را طلب می‌نماید و بدین روی به همین اشارت بسنده می‌کنیم.

نقش آفرینی زن در تدبیر منزل

۹۳

در اندیشه‌ی اجتماعی و اخلاقی اسلام، استواری خانواده و بقا و حفظ و اداره‌ی آن برعهده‌ی مرد قرار گرفته‌است. و او را به تأمین هزینه‌ی زندگی همسر و فرزندان و حمایت همه‌جانبه و هم‌دلانه از آنان بر مقیاس عدالت، موظف ساخته‌است؛ اما در عین حال، نقش زن را به دلیل جایگاه والای آن در نهاد خانواده و تدبیر امور زندگی نادیده نگرفته و به زن، مسئولیتی شایسته و والا داده تا با استفاده از تدبیر، احساسات، عواطف و نقش‌بی‌بدیلی که در نگهداری و حراست از نهاد خانواده دارد آن را به سوی اهداف عالی، سلامت و تکامل علمی، اخلاقی و تربیتی به پیش ببرد و آینده‌ی جامعه را از پرتو گرمای وجود خودش تضمین نماید.

چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «الرجل فی اهله راع و هو مسئول عن رعیه و المرأه فی بیت زوجها راعیه و هی مسئوله عن رعیتها» (نوری، ج ۱۴، ص ۲۴۸) مرد در بین خانواده‌اش نگهدارنده است و بر آن‌ها مسئول است و زن در خانه‌ی شوهرش نگهدارنده است و بر افراد تحت سرپرستی و نگهداری‌اش مسئول است (یعنی زن و شوهر، هر دو مورد بازخواست و پرسش قرار می‌گیرند).

در بعضی روایات چنین تعابیر بلندی وجود دارد که زن را منحصرأ در تدبیر منزل نقش آفرین و مسئول معرفی می‌کند. چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «المرأه راعیه علی مال زوجها و مسئوله عنه»؛ زن بر مال همسرش پاسبان و نگهدارنده است و از او پرسش و سؤال می‌گردد. (احسائی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۲۹)

درایت و زیرکی زن، دقت و ظرافت، حساسیت، تعهد و آینده‌نگری او باعث می‌گردد که بر کل خانواده و امکانات موجود در آن، مال و حیثیت و آبروی شوهر، نظارت و مدیریت داشته‌باشد و با همین روحیه، اعتدال مطلوب دینی و ارزشی را در محیط خانه و زندگی خود حاکم سازد. معیشت خانواده و بالمآل، رفاه و آسایش و سعادت تمام اعضای خانواده را تضمین ساخته و همه را در مسیر اعتدال رهنمون سازد.

زن شایسته، همواره دخل و خرج زندگی مشترک را مورد دقت و ارزیابی قرار می‌دهد و مکانیسم تأمین نیازهای معیشتی را با معیارها و موازینی معتدل پایه‌ریزی می‌کند و به مسأله‌ی تقدیر در معیشت توجهی بایسته می‌نماید.

زن شایسته، همواره دخل و خرج زندگی مشترک را مورد توجه و نظارت خویش قرار می‌دهد و چگونگی و بایدهای تأمین هزینه‌های زندگی خود و اعضای خانواده‌اش را سنجیده و بر مبنای آن، به خرج و هزینه‌ها اقدام می‌نماید و همین مسأله چیزی است که تحت عنوان تقدیر معیشت، در روایات دینی ما مورد توجه واقع گردیده است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «التقدیر، نصف المعیشه» (مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۷۱، ص ۳۴۷) اندازه‌گیری (سنجش دخل و خرج)، نیمی از زندگی است.

تقدیر در واقع حسابگری، سنجش، برقراری موازنه میان دخل و خرج و هزینه‌ها و به جا و به مورد هزینه نمودن است.

این مسأله اوج خیر و دقت و نظام‌مندی در کانون خانواده است که از پرتو وجود زنی خردمند حاصل می‌آید. امام صادق علیه السلام در این خصوص می‌فرماید: «إذا اراد الله عزوجل باهل بیت خیراً رزقهم الرفق فی المعیشه»؛ هرگاه خداوند برای اهل خانه‌ای خیر را اراده فرماید رفق در زندگی را به آنان روزی می‌فرماید. (کلینی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۸۸)

زنی که در اندیشه‌ی چنین ره‌آوردی در زندگی باشد کانون خانواده را منظم و معقول و منطقی می‌سازد، از زیاده‌روی‌ها و تجمل‌گرایی‌ها و چشم و هم‌چشمی‌ها دوری کرده و با درایت و عقل و محاسبه، به امور اقتصادی و معیشتی نظر می‌کند و میانه‌روی و اعتدال را بر فضای خانه حاکم می‌سازد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره‌ی چنین زنانی می‌فرماید: «خیر نسائکم الطَّیِّبَةُ الطَّعَامِ، الطَّيِّبَةُ الرَّيْحِ، الَّتِي أَنْفَقَتْ أَنْفَقَتْ بِمَعْرُوفٍ وَأَنْفَقَتْ بِمَعْرُوفٍ فَتَلُكُ عَامِلٌ مِنْ عَمَالِ اللَّهِ وَ عَامِلٌ اللَّهُ لَا يَخِيبُ»؛ بهترین زنان شما، زنی است که غذایی پاک (نیک و خوب) بپزد، خوش‌بو و پاکیزه باشد، خرج و خرید و بخشش به قاعده (معروف) باشد و اگر دست از

خرج می‌دارد به قاعده و معروف باشد، چنین بانویی از کارگزاران خداست و کارگزار خدا، ضرر و خسارتی نمی‌بیند.

همین مسأله به تعبیر روایات و طبق گزاره‌های اخلاقی اسلام، رفی در معیشت هم نامیده می‌شود.

ضرورت‌های اعتدال و میانه‌روی در معیشت خانواده

تقدیر معیشت از مباحثی راهبردی است که به دلیل نقش کلیدی و مهمی که دارد در روایات دینی ما مورد توجه جدی واقع شده، چنان‌که حضرت رضا علیه السلام می‌فرماید:

«لا يستكمل عبد حقیقه الايمان حتى تكون فيه خصال ثلاث: التفقه فی الدین و حسن التقدير فی المعیشه و الصبر علی الرزایا»؛ حقیقت ایمان بندهی خدا کامل نمی‌شود مگر این که در او سه خصوصیت باشد: ژرف‌اندیشی در دین و شناخت عمیق آن، اندازه‌ی نیکو در زندگی داشتن و صبر و پایداری در پیشامدهای ناگوار. (حرانی، بی‌تا، ص ۳۲۹)

تقدیر در معیشت خانواده به قدری دارای اهمیت است که در نظر نگرفتن آن و نداشتن برنامه‌ای مشخص برای حفظ آن، فروپاشی نظام خانواده و در هم ریختگی‌اش را سبب می‌شود. بازماندن از قافله‌ی علم، نابسامانی ذهنی و روانی، آشفتگی اخلاقی و... از نتایج فقدان توجه به این مقوله‌ی مهم است و بدین روی ضروری و لازم است که راهبردی منطقی در نهاد خانواده برای این مهم وجود داشته‌باشد. از این روی ضرورت‌های این رویکرد را مورد اشاره و توجه قرار می‌دهیم.

۱- کمال یابی

آیا کمال‌یابی با تقدیر در معیشت نسبتی دارد؟ این نسبت چیست؟

این‌ها دو سؤال مهم در این مقوله‌اند. پاسخ این است که تقدیر در معیشت نسبتی با کمال دارد؛ زیرا اندازه‌گیری (تقدیر) در معیشت، نوعی حسابگری منطقی است که از ناحیه‌ی زوجین در نهاد خانواده اعمال می‌شود و دخل و خرج‌ها با نوعی محاسبه‌ی عقلانی و منطبق

با موازین شریعت، محاسبه می‌شوند و به همه‌ی نیازها پرداخته می‌شود؛ یعنی درآمدها با نسبتی منطقی برای هزینه‌های ضروری زندگی تقسیم می‌گردد و در نتیجه به تمام نیازها با این محاسبه‌ی منطقی و عقلانی پرداخته می‌شود و بهره‌وری را نتیجه می‌دهد. بهره‌وری‌ها ذاتاً در خدمت کمال انسانی قرار می‌گیرند که اگر اصول حاکم بر تقدیر معیشت، مورد توجه واقع نگردد، رشد متوازن اعضای خانواده و کلیت حرکت نظام خانوادگی مختل شده و از قافله‌ی کمال و حرکتی استکمالی باز می‌مانند؛ زیرا مثلاً هزینه‌های تحصیل در نظر گرفته نشده‌اند و یا در صورت فقدان انضباط معیشتی، هزینه‌ها در یک یا دو مورد به صورت افراطی صرف می‌شوند و از امور حیاتی دیگر غفلت می‌شود و در نتیجه ضرورت‌ها نادیده گرفته می‌شود و آشفتگی ذهنی، بازماندگی، عدم تکاپو و عقب‌ماندگی، معلول چنین رویکرد آشفته‌ای خواهد بود.

به همین جهت است که امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«الکمال کل الکمال، التفقه فی الدین و الصبر علی النائبه و التقدير فی المعیشه»؛ کمال، تمام کمال، فهم عمیق و ژرف‌اندیشی در دین است و صبر بر ناملایمات و مصیبت‌ها و تقدیر (اندازه‌گیری) در معیشت. (مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۷۱، ص ۲۱۲)

در روایت نیامده است که به تمام دین برسد، بلکه فرموده در مسیر تفقه در دین باشد و نیز فرموده است: تمام صبر را که به مرحله‌ی نهایی رضا می‌رسد دریابد، بلکه فرموده: بر ناملایمات صبوری ورزد و نیز در دخل و خرج در معیشت اندازه نگه‌دارد.

گفتنی است که در جامعه خانواده‌هایی هستند که با وجود درآمد کم، به دلیل وجود برنامه‌ی عقلانی و حساب‌رسانه، فرزندان موفقی و کارآمد پرورش داده‌اند و در نقطه‌ی مقابل، افرادی متمول و ثروتمند نیز بوده‌اند که فرزندان ناخلف پرورده‌اند. افتخارآفرینی دسته‌ی اول و عقب‌ماندگی دسته‌ی دوم، هر دو در گرو برنامه‌ریزی و انضباط معیشتی و یا فقدان آن بوده است.

برای خانواده‌ها نمی‌توان فرمول و مدلی پیچیده در نظر آورد، بلکه عنصر اندازه‌گیری است که موضع و جایگاه نهاد خانواده را تعریف و مشخص می‌نماید.

«خرید جمعی، تلاش، همکاری و هماهنگی اعضای خانواده در چگونگی طی کردن مسیر مدیریت اقتصادی خانواده نقش تعیین کننده‌ای دارد؛ به نحوی که احساس مسئولیت در دخل و خرج، از ریخت و پاش‌ها جلوگیری می‌کند؛ اما برخی از خانواده‌ها بدون توجه به جایگاه و نظام ارزشی و توانمندی‌های خود به سوی صرف هزینه و خرج و مخارجی گام برمی‌دارند که به هیچ وجه با واقعیات موجود زندگی آن‌ها، همخوانی و همسویی ندارد؛ برای مثال چشم و هم چشمی‌ها و مقایسه‌های غلط به صرف هزینه‌های هنگفت منجر می‌شود». (روستا، ۱۳۸۹، ص ۱۲)

۲- جلوگیری از تضييع و اسراف

تضييع اموال و امکانات به نوعی تضييع فرصت‌هایی است که در راه انداختن آن، هزینه صرف شده‌است و این تضييع، خود تضييع مجددی را در پی دارد که باید فرد در نتیجه‌ی هدررفت اموال و امکانات، زحمت و تلاش مضاعفی را ملحوظ کند که بتواند به هدفی خاص در مقوله‌ی نیازمندی‌های اقتصادی دست یابد. عنصر برنامه‌ریزی و اندازه‌گیری معیشتی از این پیشامد جلوگیری نموده و از تضييع امکانات و اتمام فرصت‌ها جلوگیری می‌کند.

مقوله‌ی اندازه‌گیری و تقدیر معیشت و وصف وابسته به آن (میان‌روی)، شامل عرصه‌های مختلف مصرف می‌شود. مصرف، شامل خوراک، پوشاک، مسکن، تفریح، مرکب و مقولاتی از این نوع می‌گردد که اندازه‌گیری در این امور، نتیجه‌ی ارزشمندی را در پی می‌آورد و آن، دوری از اسراف است؛ اسراف‌ی که پیامدی جز تضييع امکانات و فرصت‌ها ندارد و به همین دلیل است که اسراف و تبذیر در اسلام مورد نهی قرار گرفته و از نظر اخلاقی در ردیف گناهان کبیره شمرده شده‌است.

مصرف، از منظر اقتصادی آن، معقول و مشروع است اگر منجر به خروج از اعتدال نشود؛ همین که از مرز اعتدال خارج شد، به افراط و اسراف می‌گراید و پر واضح است که

اسراف، نهی خدای متعال است و از گناهان بزرگ به شمار می‌رود. در قرآن مجید آیات فراوانی به نکوهش اسراف پرداخته‌اند، چنان که می‌فرماید:

«... وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»؛ بخورید و بیاشامید و اسراف

نکنید که خداوند اسراف‌گران را دوست نمی‌دارد. (اعراف/۳۱)

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ»؛ خداوند کسی را که اسراف‌گری دروغ‌گو باشد هدایت نمی‌کند. (غافر/۲۸) و اسراف را صفتی فرعون می‌داند چنان که می‌فرماید: «إِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ»؛ همانا فرعون گردن‌فرازی در زمین و از اسراف‌گران بود. (یونس/۸۳)

اندازه‌گیری در مصرف، شامل موارد بسیار اندک از امکانات هم می‌شود که باید در آن اندازه‌گیری صورت گیرد و از اسراف و تبذیر آن جلوگیری گردد. چنان که امام صادق علیه السلام فرمودند: «أَمَا السَّرْفُ أَنْ تَجْعَلَ ثَوْبَ صَوْنِكَ ثَوْبَ بَدَلْتِكَ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۱۸۵) اسراف آن است که جامه‌ی حفظ آبرویت را برای جای نامناسب بپوشی.

۳- ضرورت دینی شدن معیشت

جامعه‌ی دینی، یک لفظ بی‌مسمّا نیست، بلکه کلمه‌ای راهبردی و راهگشاست. باید زندگی در جامعه‌ی دینی متناسب با شأن و جایگاه والای آن باشد. از نگاه باورمندان به دین، چون خداوند حکیم و دانا و داننده‌ی اسرار نهانی بشر، به ساختار وجودی و مصالح معیشتی و مفاسد آن و نیازهای حقیقی بشر در ابعاد گوناگون اشراف کامل دارد. همه‌ی بایدها و نبایدهایی که از آن وجود حقیقی به عنوان شارع صادر شده‌است، بر این حقیقت مبتنا دارد که آن‌ها را برای بشر بیان فرموده و اموری را حلال و اموری را حرام کرده که اگر در زندگی نادیده گرفته شوند، قهر و غضب و ناخشنودی الهی را در پی دارد. از این رو انطباق همه‌ی بخش‌های زندگی با آموزه‌های الهی ضرورتی غیر قابل انکار است. در شریعت اسلامی اسراف، تبذیر، خرید پاره‌ای از کالاها و اجناس، دارای حرمت معرفی

گردیده که انسان متدین این آموزه‌ها را باید محاسبه کند و به گونه‌ای هزینه نماید که با حرام مواجه نگردد؛ بنابراین عنصر اندازه‌گیری، وقت، محاسبه، نظم و انضباط مالی و معیشتی دارای اهمیتی والا و ارجمند است.

اسراف، تعدی از مرزهای الهی است و محدود به آب و نان و پوشاک نمی‌گردد و جنبه‌ی کمی صرف هم ندارد، بلکه امری نسبی است و بر حسب شرایط زمانی، جوامع و نیز شأن افراد و با توجه به پیشرفت یا عدم پیشرفت اقتصادی، رشد و عدم رشد و با وضعیت معیشتی و سطح برخورداری‌ها متغیر می‌شود؛ یعنی ممکن است استفاده از یک مقدار کالا در یک جامعه و برای یک فرد، تجاوز از حد محسوب گردد و در جامعه‌ای دیگر معیار دیگری داشته‌باشد. بنابراین محاسبه و سنجش و اندازه‌گیری و فهم عرصه‌ها و ساختارها، ضرورتی تام و حیاتی دارد و جامعه‌ی اسلامی باید به گونه‌ای رفتار نماید که زندگی‌اش و هزینه‌های آن با حرام و انحرافی نیامیزد؛ لذا دینی شدن معیشت اقتصادی، برابر است با محاسبه‌ی اعتدال و میانه‌روی و تدبیر در آن.

سعدی در این خصوص، چنین می‌گوید: «یکی از ملوک عجم، طیبی حاذق به خدمت مصطفی صلی الله علیه و آله فرستاد. سالی در دیار عرب بود و کسی تجربه‌ای پیش او نیاورد و معالجه از او درنخواست. پیش پیغمبر صلی الله علیه و آله آمد و گله کرد که مر این بنده را برای معالجت اصحاب فرستاده‌اند و در این مدت، کسی التفاتی نکرد تا خدمتی که بر بنده معین است به جا آورد، رسول صلی الله علیه و آله گفت: این طایفه را طریقتی است که تا اشتها غالب نشود نخورد و هنوز اشتها باقی بود که دست از طعام بردارد. حکیم گفت: این است موجب تندرستی، زمین ببوسید و برفت». (سعدی، ۱۳۶۸، ص ۱۲۸)

علی رضی الله عنه می‌فرماید: «اسراف گر را سه نشانه است: طعامی را می‌خورد که برای او و در شأن او نیست و کالایی را می‌خرد که در حد او نیست و لباسی را می‌پوشد که متناسب با موقعیت او نیست». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ص ۲۴۵)

در روایات دینی ما حتی بخشش و جود هم اگر از حد بگذرد نکوهش می‌گردد.

۴- احیای فرهنگ میانه‌روی و قناعت

قناعت، ویژگی و خصلتی والا در انسانی است که مراتب بلوغ عقلانی را طی نموده و در نتیجه به این خلق شریف و صفت والا آراسته گردیده‌است.

قناعت از ماده‌ی «قنع» گرفته شده و به معنای اکتفانمودن به اندک است. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ص ۴۱۳) راضی شدن، به مقدار کفاف بسنده نمودن، به اندازه‌ی نیاز اکتفا نمودن و صرفه‌جویی نمودن نیز هست. «هی ملکه للنفس توجب الاكتفاء بقدر الحاجة و الضروره من المال، من دون سعی و تعب مخاطب الزائد عنه و هی صفة فاضله يتوقف علیها کسب سایر الفضائل...» (نراقی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۰۱)

قناعت کلمه‌ای است در نفس آدمی که موجب اکتفانمودن به مقدار نیاز و ضرورت از مال و بدون سعی کردن و رنج کشیدن در طلب زیاده است. صفتی فاضله و ارجمند است که کسب سایر فضیلت‌ها به آن بستگی دارد.

قناعت، مایه‌ی آرامش روحی، آرامش محیط زندگی و بسیاری از امور دیگر می‌گردد و همین نقشی بزرگ در محیط اجتماعی ایفای کند که آرامش اجتماعی را سبب می‌گردد. جامعه‌ای که حرکت‌های تجمل‌گرایانه را برنتابد و به دور از چشم و هم‌چشمی‌ها به داشته‌های خود قناعت ورزد و نسبت به همان داشته‌ها و متناسب با آن برای زندگی برنامه‌ریزی نماید، جامعه‌ای آرام، معتدل، متناسب و آراسته به فضیلت‌های والای اخلاقی خواهد بود و در نقطه‌ی مقابل، جامعه‌ی تجمل‌گرا، پر از طوفان و اضطراب و تنش خواهد گردید؛ چنان‌که در جوامع مصرف‌گرا و به دور از اخلاق و ارزش‌های انسانی، این وضعیت را مشاهده می‌نماییم.

قناعت و میانه‌روی دو مقوله‌ی همزاد همنند. چنین فرهنگی باید در جامعه احیا گردد تا بر خورداری عده‌ای اندک، روح اکثریت اجتماعی را آزار ندهد و تجمل‌گرایی‌ها حتی در نابر خورداری هم به عنوان یک رویکرد ایجاد نگردد.

آثار و نتایج گرانبهای اعتدال و میانه‌روی

۱۰۱

تکامل فردی و اجتماعی، رشد علمی، بی‌نیازی به غیر، عدم طفیلی‌گری و وابستگی و کلّ بر دیگران بودن، رواج اعتدال در کلیت حرکت اجتماعی، دینی شدن معیشت، جلوگیری از هرز و هدر رفتن سرمایه‌ها، هزینه‌ها و جلوگیری از تضییع فرصت‌ها و امکانات و بسیاری از امور دیگر، نتایج و آثار گران‌بهای هستند که در پرتو نظم، محاسبه، دقت مالی و انضباط اقتصادی رخ می‌دهد که به دلیل اهمیت والای این مقوله، بر آن متمرکز می‌شویم و به توضیح آن می‌پردازیم.

اساساً در فرهنگ اسلامی، امت اسلامی به عنوان امتی معتدل معرفی گردیده‌اند و در نتیجه‌ی همین اعتدال و میانه‌روی هم، الگوی بشریت معرفی شده‌اند؛ چنان‌که قرآن مجید می‌فرماید:

«وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يُكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا»
(بقره/۱۴۳) و ما بدین گونه شما را امتی معتدل و میانه‌رو قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید، چنان‌که رسول اکرم ﷺ با رفتارهای معتدل و نیکوی خود بر شما و صحت راهتان گواه است.

مقصود از امت میانه و معتدل، امتی است که در همه‌ی بینش‌ها، اندیشه‌ها، عمل‌ها و عکس‌العمل‌های خویش، نه به افراط می‌گراید و نه به تفریط و وانهادگی خویش. مقصود خداوند متعال در این آیه، این است که ما با وضع قوانین و احکام اسلامی، شما را در موضعی قرار می‌دهیم که اگر بدان احکام عمل کنید در عالم نخبه و یگانه و شاهد و الگو خواهید شد که ملت‌های دیگر می‌توانند از شما سرمشق بگیرند و به رفتارتان اقتدا نمایند. اعتدال و میانه‌روی در معیشت و خصوصاً در نهاد خانواده، آثار گران‌بهایی را به ارمغان می‌آورد که به برخی از این آثار اشاره می‌نماییم.

۱- تربیت نسلی معتدل

یکی از رسالت‌های زوجین در نهاد خانواده، تربیت نسلی معتدل و پاک است. نسلی که رفاه و پرهیزی، روح او را نیاززده و او را متوقع، افراط‌گرا و تجمل‌گرا بار نیاورد که در نتیجه در کوچک‌ترین سختی، بزرگ‌ترین شکنندگی را از خود نشان دهد و به کلی از صحنه‌ی حیات جمعی ببرد. میانه‌روی و اعتدال و در نتیجه آسانی و سهولتی در حد کفاف، نسلی میانه و معتدل را تربیت خواهد نمود. نسلی که پرتوقعی‌ها، او را شکننده نمی‌سازد، بلکه انسانی مقاوم، منطقی و معتدل را می‌پرورد و این، مسأله‌ای است که به صورت قوی و ماندگار در نهاد فرزندان باقی می‌ماند. خانواده نهادی است که فرزندان از والدین الگو می‌گیرند و تا آخر عمر خصلت‌ها و ارزش‌هایی را که فراگرفته‌اند با آن‌ها می‌ماند.

«استمرار نسل انسانی و پرورش افرادی برای آینده‌ی جوامع از اهداف مهم ازدواج و تشکیل نهاد خانواده است. دین اسلام برای این اهداف تأکید بسیار دارد. خانواده‌های سالم و کارآمد با تربیت افراد شایسته و موفق و کوشا و تحویل آن‌ها به جامعه در رشد و تعالی آن مؤثرند.» (شلیبی، ۱۳۷۶، ص ۳۰)

در نهاد خانواده، اعتدال در معیشت از سلسله ارزش‌های اخلاقی والا است که از طرف والدین به فرزندان منتقل می‌شود و عناصری معتدل، وظیفه‌شناس و دور از اسراف و تبذیر و متوجه به مبانی ارزشی اسلام و سپاس‌گزار از خدای متعال پرورش می‌یابند.

۲- دست‌یابی به آرامش درونی

افراطی‌گری، تجمل‌گرایی، چشم و هم‌چشمی، تقلید ناروا، ظاهرگرایی و مقوله‌هایی از این نوع، سلب‌کننده‌ی آرامش، بلکه عامل اضطراب و دگرگونی و آشوب روحی می‌شود و نهاد خانواده را به کانونی سرد و بی‌روح تبدیل می‌نماید. تعامل روحی، اعتدال در معیشت، بسنده کردن به آنچه روزی الهی در زندگی است و... آرامش روحی و روانی را سبب می‌گردد و در پرتو چنین خصلتی، کلیت نهاد خانواده به قراری روحی و آرامشی معنوی و روانی دست می‌یابند که نمونه‌های تاریخی و اجتماعی آن هم بسیار فراوان است. چنان‌که در خانه‌ی علی علیه السلام و فاطمه‌ی زهرا علیها السلام مقوله‌ی قناعت، سادگی و بی‌پیرایگی،

آرامشی عجیب را بر زندگی آنان حاکم می‌سازد؛ چنان‌که اگر نگاهی به دوران زندگی‌ها بیفکنیم به دست می‌آید که این زندگی در کمال سادگی، سهولت، قناعت و اعتدال قرار داشته‌است و و این‌ها را در جهیزیه‌ی حضرت زهرا علیها السلام و شکل خانگی ایشان تا تقسیم کار در محیط منزل آن دو گوهر خلقت، مشاهده می‌نماییم.

جهیزیه‌ی حضرت زهرا علیها السلام را موارد ذیل تشکیل می‌داد:

«۱. یک پیراهن ۲. یک روسری بزرگ ۳. یک حوله‌ی خیبری ۴. یک رخت خواب که از پوست خرما تهیه شده بود. ۵. دو عدد تشک کتانی که یکی از پشم گوسفند و دیگری از لیف خرما پر شده بود. ۶. چهار عدد بالش ۷. یک قطعه حصیر ۸. یک کاسه‌ی مسی ۹. یک آسیای دستی ۱۰. یک عدد مشک چرمی برای آب ۱۱. یک طشت لباس‌شویی ۱۲. یک عدد کاسه ۱۳. یک ظرف آب‌خوری ۱۴. یک پرده ۱۵. یک آفتابه ۱۶. یک سبوی گلی ۱۷. دو کوزه‌ی سفالی ۱۸. یک عدد پوست ۱۹. یک عبا» (قزوینی، ۱۳۷۱، ص ۱۵۶)

این بود همه‌ی جهیزیه‌ی حضرت زهرا علیها السلام، فخر عالم هستی. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌خواستند با این سادگی و سهولت، غل و زنجیرهای تقلیدی که مردم بر خود بسته و خود را به سختی انداخته‌اند و آرامش را از آنان سلب نموده‌است باز کنند و سبب افزایش الفت و صمیمیت آن‌ها گردند و می‌خواستند پند دهند که سعادت و خوشبختی از طریق تکبر، افراط‌گری، اسراف، ولخرجی و ظروف طلا و نقره و فرش‌های سنگین و گران‌قیمت و پرده‌های قیمتی، حاصل نمی‌گردد؛ بلکه آن‌چه مایه‌ی آرامش در نهاد نقش‌آفرین خانواده می‌گردد اعتدال، قناعت و میانه‌روی و توجه به ارزش‌های والای انسانی است.

۳- رشد روحیه‌ی تکامل

توکل، به معنای وانهادن امور به خواست و اراده و مشیت الهی و بر طبق آن خواست و در راستای اراده‌ی الهی حرکت کردن است. اگر این مفهوم عالی از توکل در نهاد خانواده حاکم گردد افراد و اعضای خانواده در عین این که به وظیفه‌ی خود عمل می‌کنند کمبودها را عامل بحران نمی‌کنند. اعتدال در معیشت را پیشه کرده و در محیط خانواده، صمیمیت،

اتحاد و همدلی را مراعات می‌نمایند. از طرف دیگر نهاده شدن در معیشت اقتصادی و آن را منت الهی بر بشر دانستن، خود چیزی جز روحیه‌ی توکل نیست که همین روحیه، کفایت‌گر انسان است. «و من یتوکل علی الله فهو حسبه»؛ (طلاق/۳) کسی که بر خدا توکل نماید خداوند او را کفایت می‌فرماید.

۴- رسیدن به تعادل اجتماعی

تعادل، نکته‌ای است که در همه‌ی شئون اجتماعی، باید حضور دائمی داشته باشد. تعادل اجتماعی، وجود توازن رفتاری آحاد جامعه را در قالب‌های ارزشی و قواعدی تکامل‌آفرین رقم می‌زند. اگر مقوله‌ی اعتدال و توازن در معیشت در نظام خانوادگی همه‌ی افراد جامعه تجلی یابد، در مقام تجلی اجتماعی، به تعادل اجتماعی منجر خواهد شد و دیگر جامعه رنگ رقابت‌های منفی و ضد ارزشی به خود نخواهد گرفت؛ حتی در این رویکرد عام، اغنیا در اندیشه‌ی فقرا برخواهند آمد و تعادل معیشتی عام اجتماعی را رقم خواهند زد. حرص و آزمندی و طمع پیکره‌ی اجتماع را در هم نخواهد شکست و قرار و تعادل اجتماعی را سبب خواهد گردید.

پر واضح است فرد به تعادل رسیده و جامعه‌ی متعادل، فرد و جامعه‌ای است که چندان در اندیشه‌ی تنعمات و لذت‌ها و تکبرها و منیت‌های کشنده نباشد و به خیانت، ظلم، غصب، ریا، دروغ، نفاق، سازشکاری با اهل گناه و معصیت و سایر خلیقات هلاک‌کننده‌ی خانواده و اجتماع آلوده نشود:

«من کثر ماله کثرت حاجته الی الناس و من احتاج الی الناس فلا بد ان ینافقهم و یسخط الله فی طلب رضاهم فان سلم من آفه الاولی اعنی مباشره المحرمات، فلا یسلم من الحاجه الی الناس تنور العداوه و الصداقه و یحصل الحقد و الحسد و الکبر و الریاء و الکذب و الغیبه و البهتان و النمیمه و سائر معاصی القلب و اللسان»؛ هر کس مالش افزون شود نیازش به مردم افزون گردد و هر کس به مردم محتاج گردد، در مسیر زیاده‌خواهی‌اش نفاق خواهد ورزید و خدا را به خشم خواهد آورد. اگر از این (انجام محرمات) در امان بماند از نیاز به مردم به

سلامت نخواهد ماند و لذا دشمنی برانگیخته می‌شود و صداقت از بین می‌رود و حسد و کبر و ریا و دروغ و غیبت و بهتان و سخن چینی و سایر گناهان قلبی برایش پیش می‌آید. (نراقی، ۱۳۸۳، ص ۵۱)

۵- حفظ امکانات و سرمایه‌ها

نتیجه‌ی گران‌سنگ و مهم دیگری که میانه‌روی، اعتدال و تدبیر عاقلانه‌ی معیشت در پی می‌آورد، حفظ امکانات و سرمایه‌های فردی و اجتماعی است؛ زیرا خروج از دایره‌ی اعتدال، هزینه‌های هنگفتی را بر خانواده و حتی نظام اجتماعی تحمیل می‌کند و سرمایه‌ها و اندوخته‌ها را در معرض زوال و انهدام قرار می‌دهد. به همین جهت است که «ما عال من اقتصد»؛ کسی که میانه‌روی پیشه سازد گرفتار عائله‌ی فراوان نخواهد شد (از رهگذر عائله به مشقت نخواهد افتاد).

ایوب بن حر گفته است: شنیدم که مردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد:

«بلغنی ان الاقتصاد و التدبیر فی المعیشه نصف الکسب فقال ابو عبدالله: لا بل هو الکسب کله»؛ چنین شنیده‌ام که نیمی از سامان‌یابی اقتصادی و معیشتی در اندازه‌گیری و محاسبه و برنامه‌ریزی است. امام فرمود: چنین نیست؛ بلکه همه‌ی سامان‌یابی معیشتی و اقتصادی در گرو تدبیر در معیشت است.

اولویت و طبقه‌بندی در معیشت، امکانات و سرمایه‌ها را هدایت کرده و بیهوده از هدر رفتن و هرز سرمایه‌ها جلوگیری کرده و آن‌ها را در مسیری مطلوب و با هدفی عالی به کار می‌اندازد.

محاسبه‌ی هزینه‌های کالایی خانواده کار مهم و نتیجه‌بخشی است؛ مثلاً خرید کالاهای بادوام سبب می‌شود که اگر کفش و یا پیراهنی تهیه شود گرچه با قیمتی بالاتر، اما در نهایت به دلیل دوام بالای آن، از خرید مکرر پیراهن و کفش جلوگیری می‌شود و تناسب در آمد با هزینه را عملی می‌سازد.

از این رو تدبیر صحیح در امور معیشتی با برنامه‌ریزی در جهت انطباق نیازها با امکانات مادی، پس از انجام هزینه‌های مصرفی و خرید کالاهای مناسب، معادله‌ای را نتیجه می‌دهد و آن، این است که کالای مناسبی تهیه کنیم تا از اسراف و تبذیر امکانات جلوگیری شده و حفظ سرمایه‌ها و امکانات را در پی داشته‌باشد و قطعاً چنین نتیجه‌ای را در فرآیند این محاسبه و معادله به طور محسوس مشاهده می‌نماییم.

به همین دلیل هم هست که ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام و در رأس آن‌ها پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمایند: اندازه‌گیری نصف کسب و معیشت است.

۶- استحکام نهاد خانواده

تدبیر در معیشت، وجود محاسبه و نظم و دقت در امور معیشتی و اقتصادی، نتیجه‌ی گران‌بهای دیگری را هم در پی می‌آورد که آن، استحکام بنیاد نهاد خانواده است؛ زیرا در پرتو ایجاد تعادل در روحیه‌ی افراد بر اثر تعادل در حوزه‌ی معیشت، نوعی نظم و انضباط فکری و روانی در آنان ایجاد می‌شود و با اتمام آن نوعی قناعت نفسانی در آن‌ها به وجود می‌آید که سبب استحکام در بنیاد خانواده می‌گردد که از اشرف فضیلت‌ها در ساختمان خانواده است.

این نتیجه‌ی والا و ارجمند در پرتو میانه‌روی و قناعت حاصل می‌گردد: «اذ من اعتدل و قنع بقدر الضروره من المطعم و الملبس و يقتصر علی اقله قدر او اخسه نوعاً و یرد امله الی یومه اوالی شهره و لایشغل قلبه بالزائد عن ذلك کان فارغ البال مجتمع الهم فیمکن من الاشتغال بامر الدین و سلوک طریق الآخره و من فاتته القناعه و تدنس بالحرص و الطمع و طول الامل و خاض فی غمرات الدنیا تفرق قلبه و تشتت امره» (نراقی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۰۱)؛ زیرا کسی که اعتدال ورزد و به قدر ضرورت از طعام و لباس قناعت ورزد به اندازه و قدری اندک یا نوعی نه چندان مرغوب (متوسط) و آرزویش را در روز حاضر و یا ماه حاضر متمرکز کند و به زاید از این مقدار خود را مشغول نسازد فردی آزاد و رها از هموم و غم‌ها خواهد شد. بنابراین او می‌تواند اشتغال به امر دین و طی مسیر معنویت و آخرت داشته باشد و

البته هر آن کس که قناعت را از یاد ببرد و خود را به حرص آلوده نماید و طمع را برگزیند و در زینت‌های دنیا خود را فرو برد قلبی به هم ریخته و امری نابسامان خواهد داشت.

خلاصه‌ی بحث

از تنظیم معیشت خانواده و میانه‌روی و اعتدال در آن آثار گران‌بهای دیگری نیز حاصل می‌آید که به دلیل طولانی شدن نوشتار از توضیح آن‌ها خودداری نموده و به ذکر عنوان آن‌ها بسنده می‌کنیم، امید که این نوشتار را در فرصتی دیگر پی گیریم.

۱. جلوگیری از پشیمانی‌ها بر اثر افراط و تفریط؛
۲. پرهیز از خطاهای بر هم زنده‌ی کانون خانواده؛
۳. افزایش سطح بهره‌وری اقتصادی، علمی و معنوی؛
۴. دوری از تهدیدهای حرص و آز و طمع؛
۵. پیش‌بینی امور خانواده در حوزه‌های خاصی همچون ازدواج فرزندان، رشد دانشی آنان و...؛
۶. دقت، انضباط و کنترل رفتارهای اعضای خانواده؛
۷. معنایابی زندگی در زوجین و فرزندان؛
۸. باروری هدف‌های پیش‌بینی شده.

نتیجه

در فرایند نوشتار، چند دستاورد مهم را می‌توان برشمرد که در ذیل بدان‌ها اشاره می‌شود. اعتدال و میانه‌روی، خروج از حد افراط و تفریط است.

اعتدال در معیشت، نشانه‌ی خردمندی، عقلانیت، دین‌گرایی و محاسبه‌گری است.

زن در نهاد خانواده نقش حیاتی در تدبیر منزل دارد و می‌باید به این نقش وقوف یابد.

اعتدال در معیشت، همان اعتدال در زندگی و نوع گذران آن در پروسه‌ی اقتصادی

است.

تدبیر و تقدیر معیشت، ضرورت‌هایی از قبیل کمال‌یابی، جلوگیری از تضییع امکانات، دینی شدن و احیای فرهنگ دینی دارد که باید رویکرد آحاد جامعه دینی باشد.

آثار گران‌قدری بر تقدیر المعیسه، تدبیر المنزل و میانه‌روی وجود دارد؛ همچون تربیت نسلی پاک، آرامش‌یابی درونی، رشد روحیه‌ی توکل به خدا، نیل به عدالت، تعادل فراگیر اجتماعی، حفظ امکانات و سرمایه‌ها، استحکام بنیاد خانواده و... که می‌باید بسان یک فرهنگ فراگیر در سطوح فردی و اجتماعی مورد توجه و در فرایند خویش، ایجادگر فرهنگی پویا و مطلوب باشد.



منابع

* قرآن مجید

۱. آمدی، عبدالحسین، غرر و درر، مصحح: مهدی رجایی، دار الکتب الاسلامیه، بی تا.
۲. ابن سینا، السیاسة، چاپ: فؤاد عبد المنعم احمد، اسکندریه، ۱۴۰۲ ق.
۳. ابن شعبه حرّانی، علی بن الحسین، تحف العقول، مؤسسه نشر الاسلامی، بی تا.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۹، دارالفکر للطباعة و النشر، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۸.
۵. ابی جمهور احسائی، محمد بن علی بن ابراهیم، عوالی اللثانی، ج ۱، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۱۰.
۶. ارسطو، اخلاق نیکو، طوسی، ج ۱، ترجمه: سید ابوالقاسم پورحسینی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۳.
۷. پاینده ابوالقاسم، نهج الفصاحه، نشر معارف اهل بیت، ۱۳۴۶.
۸. حرّ عاملی، وسایل الشیعه، ج ۷، قم، مؤسسه اهل بیت (ع)، ۱۴۰۹.
۹. خواجه نصیر طوسی، اخلاق ناصری، تصحیح مجتبی صنوی، علیرضا حیدری، چاپ سوم، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۴.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات، دفتر نشر نوید اسلام، قم، ۱۳۸۷.
۱۱. روستا، احمد، برنامه ریزی و مدیریت اقتصادی، روزنامه‌ی ایران، دهم اسفند ۱۳۸۹.
۱۲. سعدی، گلستان، شیراز، نشر حکمت، ۱۳۶۸.
۱۳. شلبی احمد، زندگی اجتماعی از دیدگاه اسلام، ترجمه: سید محمود اسد اللهی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶.
۱۴. فارابی، ابونصر، فصول منتزعه، تحقیق: فوزی، بیروت، دارالمشرق، ۱۹۱۷.
۱۵. فیروزآبادی، مجد الدین، القاموس المحيط، ج ۴، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت، ۲۰۰۵.
۱۶. قزوینی، سید محمد کاظم، فاطمة الزهراء (ع)، ترجمه: حسین فریدونی، نشر اختر شمال، ۱۳۷۱.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴.
۱۸. نراقی، ملا مهدی، جامع السعادات، ج ۱، مکتبه‌الدآوری، قم، ۱۳۸۳.
۱۹. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسایل، ج ۱۴، بیروت، مؤسسه آل بیت لاحیاء التراث، بی تا.